



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# او متولد شده است

محمدباقر ایروانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# او متولد شده است

نویسنده:

محمد باقر ایروانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیها السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	او متولد شده است
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	انواع شبهه درباره‌ی ولادت حضرت
۷	اشاره
۷	شبهه در اصل مهدی باوری
۸	تردید در ولادت
۸	چهار قضیه‌ی مهم برای اثبات ولادت امام مهدی
۸	اشاره
۸	تواتر
۹	حساب احتمالات
۹	قدر مشترک این احادیث
۱۰	اجتهاد در مقابل نص
۱۰	عوامل یقین آور
۱۰	احادیث عمومی
۱۰	اشاره
۱۰	حدیث تقلین
۱۰	حدیث دوازده خلیفه
۱۱	حدیث من مات و لم یعرف امام زمانه...
۱۱	اخبار خاص
۱۲	دیدن آن حضرت
۱۴	روشن بودن ولادت حضرت نزد شیعه

- سفرها و توقیعات ..... ۱۴
- نظارت و مراقبت دستگاه خلافت ..... ۱۵
- اعتراف تاریخ نگاران و تبارشناسان غیر شیعی ..... ۱۵
- اتفاق شیعه ..... ۱۵
- حساب احتمالات ..... ۱۵
- پاورقی ..... ۱۶
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۱۸

## او متولد شده است

### مشخصات کتاب

نویسنده: محمد باقر ایروانی

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

### مقدمه

درباره‌ی ولادت حضرت بقیه‌الله (عج) دو گونه شبهه شده است. برخی گفته‌اند، آن حضرت به دنیا نیامده است و چنین شخصی به دنیا هم نخواهد آمد. از دید اینان، «ظهور منجی» یک ایده‌ی محقق ناشدنی است. بعضی دیگر گفته‌اند، آن حضرت، هنوز متولد نشده است و در آینده، به دنیا خواهد آمد. این نوشتار، به هر دو شبهه، از طریق تواتر احادیث مهدوی و حساب احتمالات، پاسخ داده است. آنگاه که هستی آفرین گل آدمی بسرشت و فرزندان آدم بر زمین منزل گزیدند تبار او با گذشت روزگار رو به فزونی نهاد اُمّیا در این میان ایزد دادار نیکان و پاکان خود را از بین همین مردمان برگزید تا دستگیر خلقش بوده و آنان رهنمون گر راه هدایت باشند که از میان این نیک مردان گل سرسبد هستی را به عنوان آخرین هدایتگر خود بر مردمان قرارداد که سلسله جنبان راه هدایت تا همیشه روزگار باشد. پس از افول زندگانی پُر از نور آن چراغ هدایت مشعل راه نجات به دست سگان داران کشتی نجات سپرده شد، دوازده ستاره پر فروغ که به نوبت در ظلمات نمایانگر راه نجات و هدایت و سیراب گر تشنگان معرفت بودند، افسوس که شب پره‌ها را تاب نورافشانی خورشید نبود و هر از چند گاهی چراغی را خاموش کرده تا دوازدهمین نور روشنگر خدایی به خواست پروردگار در پس ابر نماند تا تشنگان را بر او چنان نیاز اُفتد که چون ماهی بیرون افتاده از آب برای وصالش بی تاب و بی قرار شوند. و مشتاقانه چشم بر پدیدار شدن او داشته باشند تا به راستی و پاکی او را یاری کرده و گردن طاعت بر او فرو آورند. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «یریدون لیطفؤوا نورالله بأفواههم والله متم نوره و لو کره الکافرون» [۱]. از زوایا و ابعاد گوناگونی می‌توان به مقوله‌ی مهدویت نگریست. مسئله‌ی ولادت حضرت مهدی (عج) یکی از آن جهات است که در این نوشتار، در صدد اثبات آن و پاسخ به شبهات مطرح شده در این باره هستیم.

### انواع شبهه درباره‌ی ولادت حضرت

#### اشاره

درباره‌ی ولادت حضرت مهدی علیه السلام از دو جهت شبهه وارد شده است: ۱- عده‌ای این گونه شبهه کرده‌اند که منجی موعود، پا به عرصه گیتی نگذاشته و به دنیا هم نخواهد آمد و پدیدار شدن یک منجی در آینده و اصلاح عالم به دست او، قابل پذیرش نیست و چنین ایده‌ای محقق نمی‌شود. ۲- عده‌ای، اساس ایده‌ی مهدویت را فی الجمله پذیرفته‌اند، ولی بر این عقیده‌اند که امام مهدی علیه السلام هنوز متولد نشده و آن هنگام که مصلحی پدیدار شود تا اساس ظلم به دستانش برچیده شود، ایده‌ی موعود، محقق می‌شود.

#### شبهه در اصل مهدی باوری

همه‌ی مسلمانان، بر بطلان چنین شبهه‌ای، وحدت نظر دارند و امامیه و غیر امامیه، بر ظهور مردی در آخر الزمان که اصلاح عالم را

به ارمغان آورد، متفق هستند. آیات و مجموعه‌ی زیادی از روایات نیز بر این مسئله، تصریح دارند. آیات پنج یا شش آیه، در اصل اعتقاد به مهدویت ظهور دارد و نیازی به تفسیر از جانب اهل بیت علیهم السلام نیست. [۲] در این جا، به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «یریدون لیطفوا نور الله بأفواههم والله متم نوره»؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان‌شان خاموش کنند و حال آن که و خداوند، نور خود [اسلام] را تمام می‌کند. این بخش از آیه، پیامی از جانب خداوند هستی بخش است که نور خود را بر سر تا سر این کروی خاکی می‌گستراند. مصداق این بشارت، تا حال، واقعیت نیافته و از آن جا که امکان ندارد، خداوند خبر خلاف واقع دهد، باید روزی این نوید و بشارت صورت پذیرد. و تحقق آن، تنها، به دست امام مهدی (عج) است: بنابراین، این آیه، بدون نیاز به تفسیر روایی، به مطلب تصریح دارد. «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون»؛ یقیناً، بعد از ذکر، در زبور نوشتیم که بندگان صالح، زمین را به ارث می‌برند. مراد از ارض، تمام زمین بوده و بندگان صالح، تا حال، وارث همه‌ی زمین نشده‌اند. پس بایسته است که این واقعیت، در آینده، تحقق یابد و وقوع این [مشیت] جز به دست مهدی منتظر (عج)، محتمل نیست. این آیات و سایر آیات، بر اصل مهدی باوری دلالت دارند. گفتنی است که این آیات، بر تولد امام مهدی (عج) و پنهان بودن ایشان از دیدگان، دلالتی ندارند، بلکه تنها تصریح دارند که این نوید و بشارت، روزی واقعیت یافته و بندگان صالح، وارث تمام زمین می‌شوند؛ زیرا، این نوید با تولد منجی مصلح در آینده نیز می‌سازد. روایات احادیث پر شماری در باره‌ی اصل ایده‌ی مهدویت و وقوع این ارمغان و امید، موجود است، هر چند بر تولد امام مهدی (عج) دلالتی ندارند. این روایات، مورد پذیرش اهل سنت نیز واقع شده‌اند. آنان، با توجه به این روایات درباره‌ی حضرت مهدی موعود (عج) و ظهور شخصی در آینده به این نام، کتاب‌ها نوشته‌اند. ما، بیش از سی کتاب از آنان را گرد آورده‌ایم. اینک، به دو روایت از آن روایات، اشاره می‌کنیم. ۱- پیامبر اکرم فرمودند: «لا تذهب الدنيا حتی یملک العرب رجل من أهل بیتی یواطیء اسمه اسمی» [۳]. ۲- پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «لا تقوم الساعة حتی تملأ الأرض ظلماً و جوراً و عدواناً ثم یرج من أهل بیتی من یملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». [۴] و [۵]. از جمله مهدی باوران غیر شیعی، می‌توان از ابن تیمیه و ابن حجر [۶] و عبدالعزیز بن باز نام برد. بن باز (مفتی اعظم عربستان)، در مجله‌ی الجامعه یاد آور می‌شود که اعتقاد به امام مهدی (عج) و روایات آن، صحیح بوده و شایسته نیست چنین اندیشه‌ای انکار شود.

## تردید در ولادت

ممکن است کسی بگوید: «ما، اصل اعتقاد به امام مهدی (عج) و پدیدار شدن موعودی در آینده را می‌پذیریم ولی لازم نیست این موعود، همان امام مهدی (عج) باشد که تولد یافته و از دیدگان پنهان است. چه بسا، آن مهدی منتظر، در آینده، پا به گیتی گذاشته و غیبتی در کار نباشد. پس وقوع ولادت حضرت، چه گونه ثابت می‌شود؟». هدف از این نوشتار، اثبات ولادت حضرت است. برای اثبات آن، تلاش می‌شود که ولادت امام مهدی (عج) از طریق تواتر و حساب احتمالات ثابت شود.

## چهار قضیه مهم برای اثبات ولادت امام مهدی

### اشاره

به عنوان مقدمه، ابتدا، چهار قضیه مهم را تبیین می‌کنیم.

### تواتر



برای اثبات هر مسئله‌ای، دو راه وجود دارد: ۱- تواتر؛ ۲- حساب احتمالات. تواتر، بدین معنا است که انبوه زیادی از روایان، از یک مسئله خبر دهند، به گونه‌ای که احتمال اجتماع و تبانی آن‌ها بر کذب، محال باشد. اگر دویست یا سیصد تن که در مواقف و مواطن مختلفی به سر می‌برند، روایتی نقل کنند، وقوع توافق آنان بر کذب، ممکن نیست. چنین خبری را خبر متواتر می‌گویند.

### حساب احتمالات

اگر یک یا چند نفر، خبری را حکایت کنند، این خبر، متواتر نیست، ولی اگر به انحای مختلف، شواهدی به آن ضمیمه شود، بر طبق حساب احتمالات، به سبب آن قرائن، قطع حاصل می‌شود. به عنوان مثال، شخصی، به بیماری صعب‌العلاجی دچار شده است و فردی به ما پیام می‌رساند که «ایشان، شفا یافته است». با این خبر، تا سی در صد، احتمال بهبود مریض حاصل می‌شود، ولی اگر شواهد و قرائنی به آن ضمیمه شود، ارزش احتمال، از سی در صد به چهل یا پنجاه درصد یا... می‌رسد. این قرینه، می‌تواند این باشد که مثلاً او، دیگر از دوا استفاده نمی‌کند و یا این که شاد و خندان است و... این خبر، در حقیقت، خبر متواتر نیست، ولی به سبب حساب احتمال و ضمیمه کردن قرائن، ارزش احتمال، قوت گرفته و یقین حاصل می‌شود. در خبر متواتر، عادل بودن و وثاقت راوی، ضروری نیست. حال اگر یک یا چند نفر حکایتی نقل کنند، حجیت این خبر، مشروط به عدالت راوی است، ولی اگر صد یا دویست یا سیصد تن، قضیه‌ای را حکایت کنند، لازم نیست که روایان عادل باشند؛ زیرا، خبر متواتر، به دلیل کثرت روایان، افاده‌ی یقین کرده است و بعد از حصول قطع، هدف و مقصودی دیگر باقی نمی‌ماند. ما، عدالت را برای به دست آوردن یقین می‌خواهیم، وقتی یقین حاصل شد، شرط عدالت لزومی ندارد. با عنایت به این مطالب، تردید و ابهام‌آفرینی در روایات دلالت‌کننده بر ولادت امام مهدی (عج) و مسائل مرتبط با حضرت، شایسته نیست و نمی‌توان گفت: «سند این روایت، ضعیف است» و یا «روایان، مجهول هستند» و یا... آری، اگر تعداد روایات، محدود بود، این خدشه‌ها وارد است، اما از آن جا که احادیث درباره‌ی حضرت مهدی (عج) متواتر و مستفیض است، نباید در آن‌ها مناقشه کرد.

### قدر مشترک این احادیث

ممکن است مجموعه‌ای از روایات، در خصوصیات و تفاسیل، با هم متفاوت باشند، ولی از یک زاویه، مدلول همه‌ی آن‌ها یکی باشد. مثلاً افراد بی‌شماری، از بهبود مریضی خبر می‌دهند، ولی یکی از آنان از شفای مریض در ساعت یک، و دیگری از بهبود او در ساعت دو، و سومی از بهبود مریض در ساعت سه خبر می‌دهد. اگر چه خبر این روایان، در جزئیات یکی نیستند، ولی همه، از جهت بهبود مریض، متحد هستند که در این صورت، شفای مریض، برای ما ثابت می‌شود؛ زیرا، هر یک از این خبرها، در حقیقت، دو خبر هستند: خبر نخست، شفای مریض است و خبر دوم، زمان شفای او است. خوب می‌نگریم، می‌فهمیم که همه‌ی آنان در شفا یافتن فلان فرد، متفق هستند، هر چند در زمان آن اختلاف دارند. اگر روایات پر شماری، از یک زاویه، بر جریان معینی، اتفاق داشته باشند، نسبت به آن مسئله، یقین حاصل می‌شود، هر چند این اخبار، در سایر تفاسیل و خصوصیات، با هم تمایز داشته باشند. پس شایسته نیست در احادیث میلاد امام مهدی علیه السلام مناقشه کرد و گفت: «این روایات، در تفاسیل، با هم اختلاف دارند. در این احادیث، گاه، مادر امام مهدی (عج) «نرجس» و گاه «سوسن» نامیده شده، و یک بار خبر از تولد یافتن حضرت علیه السلام در این شب و بار دیگر از به دنیا آمدن امام (عج) در شب دیگر حکایت کرده‌اند و یک روایت نقل می‌کند که امام علیه السلام، در فلان سال به دنیا آمده و روایت دوم، خبر از متولد شدن حضرت (عج) در سالی دیگر می‌دهد. پس با توجه به اختلاف‌ها، شایسته نیست به آن‌ها تمسک شود؛ زیرا، متواتر و مورد پذیرش نبوده و در اثبات تواتر و تحصیل علم به ولادت حضرت، سودی نمی‌رسانند.»؛ زیرا، این روایات، از جهت تصریح به ولادت امام (عج) با هم مشترک‌اند و تفاوت آن‌ها در سایر شاخصه‌ها و ویژگی‌ها است.

## اجتهاد در مقابل نص

شایسته نیست کسی در مقابل نص، اجتهاد شخصی کند. پس اگر متن روایتی، دلالت صریح بر چیزی داشته باشد و از حیث سند هم تام باشد، نباید کسی در آن مسئله، اجتهاد شخصی کند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ». کاملاً روشن است که این آیه، طلب اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات را می‌کند، حال اگر کسی بگوید: «این آیه اقامه‌ی نماز را طلب نمی‌کند و...» سخنی بر خلاف نص صریح رانده است و او، چنین حقی را ندارد. بله، در این که آیا این درخواست، درخواستی وجوبی است یا امری استحبابی می‌تواند اجتهاد کند؛ زیرا، وجوب و استحباب، در این آیه، ظاهر و نص نیست. احادیث امام مهدی علیه السلام، نیز این چنین است و اجتهاد شخصی بر نمی‌دارد؛ زیرا، دلالت این روایات، واضح و صریح‌اند و از حیث سند هم متواتر. زمانی می‌توان اجتهاد کرد که دلالت روایت، صریح نباشد و سند آن، اشکال داشته باشد.

## عوامل یقین آور

### احادیث عمومی

#### اشاره

عامل نخست، احادیث پرشماری است که از مسلمات بین امامیه و غیر امامیه شمرده می‌شود. در این احادیث، هر چند نام حضرت نیامده است، اما دلالت بر ولادت حضرت دارند.

### حدیث ثقلین

این روایت، میان امامیه و برادران اهل سنت، متواتر است و سند آن، قابل خدشه نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم این حدیث شریف را در مواقف و مواظن متعددی، از جمله حجة‌الوداع، بازگو کرده است. اختلافاتی که در بعضی الفاظ حدیث دیده می‌شود، برگرفته از گوناگونی مواقف صدور حدیث است. حدیث ثقلین، چنین است: اِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي. أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ. وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ [۷]. من، در میان شما، دو چیز گران بها به جای می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیت‌ام. یکی از آن دو، از دیگری بزرگ‌تر است. این دو، از هم جدا نمی‌شوند تا زمانی که در حوض، بر من وارد شوند. جمله‌ی «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» بر استمرار همراهی اهل بیت‌علیهم السلام با قرآن کریم دلالت دارد و این پیوستگی در همراهی، جز با فرض تولد یافتن حضرت علیه السلام و پنهان بودن ایشان از دیدگان، امکان ندارد؛ زیرا، اگر حضرت علیه السلام، در آینده تولد یابد، می‌باید در این زمان، قرآن، از اهل بیت‌علیهم السلام جدا باشد. و حال آن که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است، این دو از هم جداناشدنی هستند. دلالت این حدیث بر ولادت امام مهدی (عج) روشن است. این حدیث، از آغاز، در شأن امام مهدی (عج) وارد نشده و برای موضوع دیگری آمده است، ولی التزاماً، ولادت امام مهدی علیه السلام از آن استفاده می‌شود. اشکال: امام مهدی علیه السلام هنوز متولد نشده و آن هنگام که رجعت فرا رسد و امام عسکری علیه السلام بار دیگر پا به این جهان گذارد موعود تولد می‌یابد. بنابراین بین صدق حدیث و عدم ولادت امام (عج) سازگاری ایجاد می‌شود، جواب: لازمه این سخن، جدایی بین اهل بیت و قرآن در زمان قبل از رجعت است زیرا در این هنگام امام مهدی (عج) و اهل بیت واقعیت خارجی نداشته و قرآن از آنها جدا می‌باشد.

### حدیث دوازده خلیفه

این حدیث، از مسلمات میان امامیه و اهل سنت است. از اهل سنت، بخاری و مسلم، و از امامیه، شیخ صدوق در کمال الدین این خبر را حکایت کرده‌اند. متن حدیث، این چنین است: جابر بن سمره نقل می‌کند: «با پدرم، به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیدیم و شنیدیم که می‌فرمایند: «إِنَّ هَذَا لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ فِيهِمْ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً». سپس پیامبر، آهسته سخن گفت. به پدرم گفتم: «پیامبر چه فرمود؟». پدرم گفت: «ایشان می‌فرمایند، همه‌ی آنان، از قریش هستند». [۸]. برخی تلاش کردند تا این حدیث را بر خلفای راشد و دو یا سه نفر از بنی امیه و دو یا سه نفر از بنی عباس منطبق کنند. چنین تطبیقی، پذیرفته نیست. و تنها مصداق مورد پذیرش خبر غیبی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ائمه‌ی اثنی عشر علیهم السلام می‌باشند. این حدیث، بر ولادت امام مهدی (عج) دلالت التزامی دارد؛ زیرا، اگر فرض کنیم از حضرت عسکری علیه السلام فرزندی به نام مهدی علیه السلام متولد نشده باشد، خلفای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم، یازده تن خواهند بود و این، یعنی، نادرست گویی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که امری محال است. پس باید وقوع ولادت امام علیه السلام را پذیرفت و در غیر این صورت، این حدیث، مطابقت خارجی ندارد.

### حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه...

این حدیث هم میان امامیه و اهل سنت، از مسلمات است و همه، آن را روایت کرده‌اند. متن حدیث این چنین است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ [۹]. کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، با مرگ جاهلیت مرده است. اگر امام مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده باشد، پس ما، معرفتی از امام زمان مان نداریم و گرفتار مرگ جاهلی شده‌ایم؛ زیرا، بنابراین حدیث، در هر زمان، امامی وجود دارد و لازم است معرفت به او وجود داشته باشد و در صورت متولد نشدن امام مهدی (عج) چنین شناختی حاصل نمی‌شود.

### اخبار خاص

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از تولد فرزندی برای امام حسن عسکری علیه السلام خبر می‌دهند که بعد از به دنیا آمدن، از دیدگان پنهان می‌شود و زمین را پر از قسط و عدل خواهد کرد و ایمان به ایشان، برای هر مؤمنی ضروری است. شیخ صدوق، در کمال الدین، این احادیث را در ابواب زیر، تنظیم کرده است: ۱- اخبار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از حضرت مهدی (عج) (۴۵ حدیث)؛ ۲- اخبار امام علی علیه السلام از امام مهدی (عج)؛ ۳- اخبار حضرت زهرا علیها السلام از امام مهدی (عج) (۴ حدیث)؛ ۴- اخبار امام حسن علیه السلام از امام مهدی (عج) (۲ حدیث)؛ ۵- اخبار امام حسین علیه السلام از امام مهدی (عج) (۵ حدیث)؛ ۶- اخبار امام سجاد علیه السلام از امام مهدی (عج) (۹ حدیث)؛ ۷- اخبار امام باقر علیه السلام از امام مهدی (عج) (۱۷ حدیث)؛ ۸- اخبار امام صادق علیه السلام از امام مهدی (عج) (۵۷ حدیث)؛ مجموع روایات موجود در کافی و الغیبه و کمال الدین و دیگر کتب، بیش از هزار حدیث است. به عنوان نمونه، یک حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و دو حدیث از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنیم. ۱- ابن عباس، روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «آگاه باش که خداوند تبارک و تعالی، من و امامان معصوم علیهم السلام را حجت بر بندگانش قرار داده است. از صلب حسین، امامانی قرار داده است که امر مرا به پا می‌دارند و وصیت و سفارش مرا محافظت می‌کنند. امام نهم از آنان، قائم اهل بیت من و مهدی امت من است. او، در شمائل و افعال و اقوال، شبیه‌ترین مردم به من است. وی، بعد از یک غیبت طولانی ظهور می‌کند...». [۱۰]. به این مضمون یا قریب به آن، احادیث زیادی وجود دارد که در بعضی از آنها، نام ائمه علیهم السلام هم آمده است. ۲- محمد بن مسلم،

به سند صحیح، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام علیه السلام فرمودند: ان بلغکم عن صاحبکم غیبه فلا تنکروها؛ [۱۱]. اگر از صاحب تان، غیبتی به شما رسید، آن را انکار نکنید. ۳- زراره می‌گوید، شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِقَائِمِ غَيْبَةٍ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ - یا زراره! - و هو المنتظر. و هو الذی یشک فی ولادته؛ [۱۲]. قائم (عج) قبل از آن که قیام کند، غیبتی خواهد داشت، ای زراره! او، همان «منتظر» است. او، کسی است که در ولادت‌اش، شک و تردید می‌شود». در این روایت امام صادق علیه السلام از شبهه‌ی در ولادت امام مهدی علیه السلام خبر داده است. جعفر، عموی امام مهدی (عج) نخستین کسی بود که به سبب عدم اطلاع بر تولد حضرت، در ولادت امام مهدی (عج) تردید آفرینی کرد. به سبب موقعیتهای سختی که در آن هنگام مسئله‌ی امامت را احاطه کرده بود، از انتشار خبر ولادت حضرت، به شدت ممانعت می‌شد، به نحوی که امامان معصوم علیهم السلام حتی تصریح به نام امام مهدی (عج) را هم اجازه ندادند. بنابراین، جعفر، مطلع نبود که امام حسن عسکری علیه السلام، فرزندی به نام مهدی (عج) دارد و به خاطر همین، آن واقعه پیش آمد و جعفر، ولادت حضرت را منکر شد. ابن حزم نیز در کتاب الفصل فی الملل والاهواء والنحل در مسئله‌ی ولادت حضرت، ابهام آفرینی کرده و گفته است: «جماعتی از شیعه، بر این عقیده‌اند که تا سال دویست و شصت هجری قمری - یعنی همان سال وفات امام حسن عسکری علیه السلام - مهدی (عج)، به دنیا نیامده است. [۱۳]. مجد اسعاف النشاشیبی می‌گوید: «امام حسن عسکری علیه السلام، فرزند پسر یا دختری به جای نگذاشت». [۱۴]. امام صادق علیه السلام به زراره می‌فرماید: «و او همان منتظر و کسی است که در ولادت او شک می‌شود، بعضی می‌گویند پدرش بدون جانشین فوت کرده و بعضی می‌گویند او دو سال قبل از وفات پدر متولد شده است» در ادامه امام علیه السلام می‌فرماید: «ای زراره! اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان: «اللهم! عَرَفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ! عَرَفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ. اللَّهُمَّ! عَرَفْنِي حَجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.» [۱۵]. ادعیه‌ی معروفه نبیستی فراموش شوند و از سوی ائمه‌علیهم السلام به آنها توصیه زیادی شده است: «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیہ و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة و لئلاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و عيناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً» [۱۶]. امامان معصومین علیهم السلام در این دعا به شیعیان می‌آموزند که نام مبارک حضرت علیه السلام را مخفی نگاه دارند و تعبیر به حجت از سوی ائمه‌علیهم السلام بیانگر نهایت حالت کتمان می‌باشد و حتی در دعای فوق به جای الحجة «فلان بن فلان» هم آمده است. مرحوم کلینی در کافی و شیخ طوسی در الغیبه و دیگران، بیش از صدها حدیث در این زمینه نقل کرده‌اند. این روایات، با توجه به کثرت شان، متواتر بوده و قابل خدشه نیستند و اجتهاد در آنها اجتهاد در مقابل نص است.

## دیدن آن حضرت

مجموعه‌ای از روایات، از دیدن امام زمان علیه السلام از سوی جمعی از شیعیان خبر می‌دهند. علی رغم این که امامان معصوم علیهم السلام تأکید و توصیه‌ی زیادی داشتند تا نام و خبر ولادت امام مهدی (عج) پنهان باشد و منتشر نشود، ولی دستگاه حاکم، از خلال سنت نبوی و اخبار اهل بیت علیهم السلام دریافته بودند که برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی خواهد بود که زمین را پر از قسط و عدل می‌کند و حکومت‌های ظالم، به دستان مبارک‌اش نابود می‌شوند. بنابراین، همان گونه که فرعون بر تولد حضرت موسی علیه السلام آگاه بوده و مراقب زنان و قابله‌ها بود، بنی عباس هم در زمان معتمد عباسی کاملاً بر اوضاع محافظت و نظارت داشت، ولی همان گونه که حضرت موسی علیه السلام متولد شد، حضرت مهدی علیه السلام نیز دور از چشمان جاسوسان بنی عباس، به دنیا آمد و گروهی از شیعیان خالص، توفیق پیدا کردند، در کودکی آن حضرت را ببینند. ابوالقاسم جعفری داود بن قاسم از امام هادی علیه السلام نقل می‌کند: يقول: «الخلف من بعدی الحسن ابنی، فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف فقلت و لِمَ جعلنی الله فداک؟ قال انکم لاترون شخصه ولا یحل لکم ذکره باسمه» فقلت: فکیف نذکره؟ قال: «قولوا الحجة من آل محمد صلی الله علیه

وآله وسلم» [۱۷]. جانشین من پس از من فرزندم حسن است شما چگونه باشید در جانشین بعد از آن جانشین؟ عرض کردم. قربانت گردم چرا؟ فرمود: شخص او را نبینید و بردن نام او برای شما روا نباشد، عرض کردم: پس چگونه او را ذکر کنیم؟ فرمود: بگویند حجت از آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم به هر حال علی رغم اینکه ائمه علیهم السلام تلاش نمودند که خبر ولادت حضرت منتشر نشده و مخفی بماند ولی جماعتی از شیعه موفق به زیارت حضرت مهدی علیه السلام شدند. شیخ کلینی، از محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی، از عبدالله بن جعفر حمیری، روایت کرده است که او گفت: من و شیخ ابو عمرو [۱۸] نزد احمد بن اسحاق [۱۹] بودیم. احمد بن اسحاق، با چشم به من اشاره کرد که از «جانشین» سؤال کنم. به او گفتم: «ای ابا عمرو! من می‌خواهم از تو راجع به چیزی بپرسم. البته، نسبت به آن چه که درباره‌ی آن از تو سؤال می‌کنم، شک ندارم، عقیده‌ی من، این است که زمین، از حجت خالی نیست... ولی دوست دارم یقین‌آم زیاد شود. ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست که به او نشان دهد چه گونه مردگان را زنده می‌کند. خداوند فرمود: آیا ایمان نداری؟؛ ابراهیم عرض کرد: می‌خواهم قلب‌ام مطمئن شود. احمد بن اسحاق، از امام هادی علیه السلام به من خبر داد و گفت: از امام، پرسیدم: با چه کسی نشست و برخاست کنم و از چه کسی مطلب اخذ کنم و قول چه کسی را قبول کنم؟. امام علیه السلام فرمود: «عمری، ثقه است. هر چه از طرف من به تو رسانید، مطمئناً از من رسانده است. و هر چه از طرف من به تو گفت، مطمئناً، از جانب من می‌گوید. پس به حرف او گوش فراده و از او اطاعت کن؛ زیرا، او، ثقه و مورد اعتماد است». ابوعلی به من خبر داد که از امام حسن عسکری علیه السلام پرسیدم، امام علیه السلام فرمود: «عمری و پسرش، ثقه هستند. پس هر چه از جانب من به تو رساندند، مطمئناً از من رسانده‌اند و هر چه به تو می‌گویند، مطمئناً، از طرف من می‌گویند. حرف آن دو را گوش کن و از آن دو اطاعت کن؛ زیرا، این دو، مورد اعتماد هستند». این، سخن دو امام در حق شما بود». عبدالله بن جعفر گفت، ابو عمرو، سجده کرد و گریست. سپس گفت: «حاجت خود را بخواه». به او گفتم: «آیا جانشین بعد از امام حسن عسکری علیه السلام را دیده‌ای؟». گفت: «بله...». به او گفتم: «یک سؤال باقی ماند». به من گفت: «بیا جلو». گفتم: «اسم او چیست؟». گفت: بر شما حرام است که از آن سؤال کنید. این را از جانب خود نمی‌گویم. و من، حق ندارم چیزی را حرام یا حلال کنم، بلکه این را از امام حسن عسکری می‌گویم. گمان حاکم و سلطان، این بود که ابا محمد وفات کرده و فرزندی به جا نگذاشته و میراث او هم تقسیم شده است. از خدا بترسید و از این کار خود داری کنید». دلالت این حدیث، صریح بوده و قابل اجتهاد شخصی نیست. اصولیان، در مسئله‌ی حجیت خبر ثقه، به آن استدلال کرده‌اند و شهید صدر قدس سره هم یاد آور می‌شود که: این روایت، به تنهایی، افاده‌ی یقین می‌کند. [۲۰]. در این جا اشکال شده است که «این روایت، خبر واحد است. چه گونه می‌توان به آن بر حجیت خبر واحد استدلال کرد؟ این گونه استدلال کردن، دور است». شهید صدر گفته است، این روایت، افاده‌ی یقین می‌کند؛ زیرا، هر زمانی که شیخ کلینی، خبری را نقل کند و بگوید: «آخرنی»، در خبرش تردیدی نیست. مرحوم کلینی، این خبر را از محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی عطار که هر دو از بزرگان شیعه هستند و احتمال کذب ایشان نمی‌رود نقل کرده است. عبدالله بن جعفر حمیری هم از بزرگان است. [۲۱]. حکیمه، دخت گران مایه‌ی امام جواد علیه السلام هم داستان مشهوری را نقل می‌کند که به بخشهایی از آن، اشاره می‌شود: حسن به علی، کسی را به نزد من فرستاد و فرمود: «عمه جان! امشب که نیمه‌ی شعبان است، در منزل ما افطار کن؛ زیرا، خداوند تبارک و تعالی، امشب، تو را با ولی و حجت خود بر خلق اش و جانشین بعد از من، مسرور می‌کند». حکیمه گفت: «به خاطر آن، بسیار مسرور شده و فوراً لباس پوشیده و در همان ساعت از منزل خارج شده تا به محضر ابی محمد شرفیاب شدم. او، در صحن خانه‌اش نشسته بود و کنیزان‌اش گرداگرد او بودند. گفتم: «فدایت شوم ای آقایم! جانشین تو از چه کسی متولد می‌شود؟». امام علیه السلام فرمود: «از سوسن». [۲۲]. حکیمه گفت: «وقتی نماز مغرب و عشاء را خواندم، سفره را آوردند و من و سوسن، افطار کردیم. با سوسن، در یک اتاق خوابیدیم. خواب کوتاهی رفتم و بیدار شدم. و پیوسته، در فکر آن چیزی بودم که ابو محمّد از امر ولی الله به من وعده داده بود. قبل از زمانی که هر شب برای نماز شب بیدار می‌شدم، بیدار شدم و نماز شب را

خواندم. تا به نماز وتر رسیدم، سوسن، ترسان از جا پرید و ایستاد و ترسان خارج شد. وضو گرفت و برگشت و نماز شب را خواند تا به نماز وتر رسید، به دلم الهام شد که فجر نزدیک است. بلند شدم تا نگاه کنم دیدم فجر اول طلوع کرده است. در دلم، نسبت به وعده‌ی ابی محمدعلیه السلام شک و تردید افتاد. امام، از حجره‌اش به من ندا داد که: «شک نکن که در همین ساعت، تو، به مطلب می‌رسی». حکیمه گفت: «از ابی محمدعلیه السلام به سبب آن چه در قلبام خطوط کرد، خجل شده و شرم کردم. خواستم برگردم که ناگهان سوسن، نماز را قطع کرده و ترسان خارج شد. نزد او رفتم. به او گفتم: «پدر و مادرم فدایت باد! آیا چیزی درک می‌کنی؟». گفت: «بله». گفتم: «إن شاء الله، ترسی برای تو نیست». بالشی برداشتم و در وسط خانه گذاشتم. و او را به گونه‌ای که آماده‌ی زایش باشد، بر روی آن نشاندم. او را فشار دادم، به گونه‌ای که ناله‌ی شدیدی کرد. تشهّد گفتم، در این حال، ولیّ خدا را دیدم که سجده کنان بر روی زمین است». [۲۳]. شیخ طوسی، حدیثی نقل کرده می‌گوید: چهل مرد از شیعیان دارای وجاهت، در خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام جمع شدند تا از حجّت بعد از امام حسن عسکری سؤال کنند. عثمان بن سعید عمری قیام کرد، گفت: «ای پسر رسول خدا! می‌خواهم از شما راجع به چیزی سؤال کنم که شما نسبت به آن، از من عالم‌تر هستی». امام به او فرمود: «ای عثمان! بنشین». عثمان، ناراحت شد و خواست که خارج شود. امام فرمود: «هیچ کس خارج نشود». پس هیچ کس از ما خارج نشد. پس از لحظاتی، امام عسکری علیه السلام عثمان را صدا کرد. عثمان، روی زانو ایستاد. امام فرمود: «آیا شما را خبر دهم که برای چه آمده‌اید؟». گفتند: «ای پسر رسول خدا! بله». امام فرمود: «آمده‌اید تا از حجت بعد از من سؤال کنید؟». گفتند: «آری». در این حال، پسری که مثل قرص ماه بوده و شبیه‌ترین مردم به ابی محمدعلیه السلام بود، وارد شد. امام حسن عسکری فرمود: «این پسر، پس از من، امام شما، و جانشین من بر شما است. از او اطاعت کنید و بعد از من متفرق نشوید که در دین تان هلاک می‌شوید. آگاه باشید که بعد از این روز، شما، او را نمی‌بینید تا عمر او تمام شود. هر چه عثمان می‌گوید، قبول کنید و در امورتان به او مراجعه کنید. سخن او را بپذیرید که او، جانشین امام شما است و امر به دست او است». [۲۴].

### روشن بودن ولادت حضرت نزد شیعه

اعتقاد به ولادت حضرت امام مهدی (عج) نزد آحاد شیعیان، روشن و بدیهی است. بنا به گفته‌ی تاریخ و روایات، تفکر و اندیشه‌ی مهدویت و غایب بودن ایشان از دیدگان، از همان اوائل اسلام، متداول و یک امر بدیهی به شمار آمده است. از همین رو است که فرقه‌ی ناووسیه، مدعی بودند که امام صادق علیه السلام همان امام پنهان است، ولی پس از وفات امام صادق علیه السلام بطلان این عقیده روشن شد. نیز فرقه‌ی واقفیه، ادعا کردند که امام موسی بن جعفر علیه السلام، همان امام مهدی (عج) است. البته سزاوار نیست این دعاوی و یاوه‌سرایی‌ها موجب تضعیف مهدی باوری شود بلکه عامل تقویت این ایده می‌باشد، زیرا این موارد، بر بدیهی بودن اندیشه‌ی مهدویت نزد تمام آحاد شیعیان، دلالت دارند، و برای همین بود که نسبت‌های غیر صحیح مهدویت به سایر ائمه‌علیهم السلام می‌دادند. شیخ طوسی، در کتاب الغیبه تعدادی از وکیلان مذموم را نام می‌برد. از جمله محمد بن نصیر نمیری و احمد بن هلال کرخی و محمد بن علی بن ابی العزافر شلمغانی و... او، بیش از ده تن از مدعیان دروغین و کالت و سفارت از جانب امام مهدی (عج) را نام می‌برد که مورد لعن و براءت شیعه واقع شده‌اند. این موارد هم موجب تضعیف قضیه مهدویت و ولادت یافتن و پنهان شدن امام علیه السلام از دیدگان نمی‌شود بلکه در حقیقت سبب قوت بخشیدن به مهدی باوری و تولد و غیبت او می‌باشند زیرا دلالت دارند بر این که این ایده (بین شیعه) ثابت و واضح بوده است و یاوه‌سرایی‌ها و ادعاهای دروغین این افراد به دلیل بداهت و ثبوت این عقیده بوده است.

### سفرها و توقیعات

در تاریخ شیعه، قضیه‌ی چهار سفیر امام‌علیه‌السلام و صدور توقیعات از جانب آنان، بسیار روشن و بدیهی است. از زمان علی بن الحسین (پدر شیخ صدوق) و مرحوم کلینی (هم عصر سفراء) تا حال، کسی در این قضیه تردیدی به خود راه نداده است و در این زمان هم هیچ شیعه‌ای، در مقام و منزلت این سفراء، تردیدی نداشته و احتمال کذب آنان را نمی‌دهد. سفرای چهار گانه، عبارت‌اند از: ۱- ابو عمرو عثمان بن سعید؛ ایشان، فروشنده‌ی روغن بودند. شیعیان، نامه‌ها و اموال را به سوی او ارسال می‌کردند و ایشان هم جهت پنهان کاری، آن‌ها را در ظرف قرار می‌داد. و برای امام می‌فرستاد. ایشان، وکیل امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام و بعد از آن دو بزرگوار، سفیر امام مهدی (عج) بود. ۲- محمد بن عثمان بن سعید؛ ۳- حسین بن روح نوبختی؛ ۴- علی بن محمد سمري. توقیعات فراوانی از ناحیه‌ی این سفیران، صادر شد. تعدادی از آن‌ها در کمال‌الدین و الغیبه موجود است. مسئله‌ی سفیر بودن و توقیعات آن‌ها، دلیل و شاهی محکم برای تصدیق مقوله‌ی مهدویت و ولادت امام‌علیه‌السلام و غایب بودن ایشان از دیدگان است.

### نظارت و مراقبت دستگاه خلافت

در کتاب‌های تاریخی امامیه و غیر امامیه، آمده است که آن هنگام که معتمد عباسی شنید که برای امام حسن عسکری علیه‌السلام فرزندی متولد شده، مأموران‌اش را به خانه‌ی امام فرستاد و تمامی زنان امام را دستگیر و بازداشت کردند تا بدانند فرزند از آن کدام یک است. البته، بعضی از تواریخ نقل می‌کنند که این جریان، به راهنمایی و ارشاد جعفر، عموی امام مهدی (عج) بوده است. بنابراین، نظارت و مراقبت دستگاه حاکم، قرینه‌ی روشن و آشکار بر وقوع ولادت حضرت‌علیه‌السلام است؛ زیرا، در غیر این صورت، انگیزه‌ای برای این همه مراقبت و نظارت نبوده است. [۲۵].

### اعتراف تاریخ نگاران و تبارشناسان غیر شیعی

کلمات تاریخ نگاران و تبارشناسان غیر شیعی در ولادت امام مهدی (عج)، در نهایت وضوح است. ۱- ابن خلکان می‌گوید: «به اعتقاد امامیه، ابوالقاسم محمد بن حسن العسکری، امام دوازدهم است که به «حجّت» شهرت دارد و در روز جمعه، نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج، متولد شده است.» [۲۶]. ۲- ذهبی می‌گوید: «شیعیان، معتقدند که پسر امام حسن عسکری علیه‌السلام یعنی محمد بن الحسن قائم و جانشین و حجّت است. ایشان، در سال دویست و پنجاه و هشتم و بنا به قولی، در سال دویست و پنجاه و شش، متولد شده است.» [۲۷]. ۳- ابن حجر هیتمی می‌گوید: «امام حسن عسکری، غیر از ابی القاسم محمد الحجّه، فرزندی به جا نگذاشت و آن هنگام که پدر بزرگوارش وفات یافت، او، پنج سال داشت.» [۲۸]. ۴- خیرالدین زرکلی می‌گوید: «در سامراء متولد شد و در سن پنج سالگی، پدرش وفات کرد.» [۲۹] و [۳۰].

### اتفاق شیعه

از زمان کلینی و پدر شیخ صدوق تا الآن، تمام آحاد شیعیان، بر ولادت و پنهان بودن حضرت‌علیه‌السلام وحدت نظر و اتفاق دارند. این ایده، از اصول مذهب شیعه است و در تمام اعصار شیعه، هیچ کس را نیافته‌ایم که در ولادت یافتن و غیبت حضرت، شک و تردید داشته باشد.

### حساب احتمالات

خلاصه‌ی سخن این که یا تواتر این اخبار را می‌پذیریم که در این صورت حق اجتهاد شخصی را نداریم و باید «نص» را بپذیریم و یا

این که تواتر این اخبار را قبول نداریم، ولی با ضمیمه کردن آن هشت قرینه و عاملی که بیان شد برای ما روشن می‌شود که آن روایات، طبق حساب احتمالات، درست و صحیح است.

## باورقی

[۱] الصف: ۸.

[۲] ر.ك تفاسیر آیات ذیل: ۱- قصص: ۵؛ ۲- نور: ۵۵؛ ۳- طه: ۱۱۵؛ ۴- لقمان: ۲۰؛ ۵- زخرف: ۲۸؛ ۶- آل عمران: ۸۳؛ ۷- حج: ۴۱؛ ۸- ممتحنه: ۱۳؛ و...

[۳] مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳۵۶۳.

[۴] مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶، ح ۱۰۹۲۰؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۱، ح ۳۸۶۹۱.

[۵] از دیگر روایات سنت نبوی می‌توان احادیث ذیل را ذکر کرد الف) عن ابی نصره عن ابی سعید الخدری عن رسول الله: یكون بعدی خلیفه یحیی المال حثیاً ولا یعدده عداً. (مسند احمد: ۳: ۴۸) ب) عن ابی نصره عن ابی سعید الخدری، قال: قال رسول الله: المهدي منی اجلی الجبهه أفتی الأنف، یملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً و یملك سبع سنین. (مسند ابی داوود: ۴: ۱۵۲) ج) عن ابی الصدیق الناجی عن ابی سعید الخدری أن رسول الله قال: ینخرج فی آخر امتی المهدي یسقیه الله الغیث و ینخرج الارض نباتها، و یعطى المال صحاحاً، و تكثر الحاشیة و تعظم الأمة، و یعیش سبعاً أو ثمانیاً یعنی حججاً. (المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۵۷) د) عن ابی سعید الخدری عن رسول الله: لتملأن الارض ظلماً و عدواناً ثم لیخرجن رجلاً من اهل بیتی یملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً. (ینابیع الموده: ۴۳۱) ذ) عن ابی سعید الخدری عن رسول الله: فیجىء الیه الرجل فیقول: یا مهدي أعطنی. قال: فیحیی له فی ثوبه ما استطاع أن یحملة: (منتخب الاثر، ص ۳۱۱، عن مصابیح السنه). ر) عن ابی سعید عن رسول الله: منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه. (الامام المهدي من الولادة الی الظهور، علی محمد علی دخیل، ۱۲۱). همچنین ر.ك ۱- تحفه الأهودی / الامام الحافظ ابی العلی محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، ج ۶، ص ۴۸۴، باب ۴۴، ما جاء فی المهدي. ۲- عون المعبود فی شرح سنن ابی داوود / علامه ابی الطیب محمد ثمن الحق العظیم آبادی، جزء ۱۱، ص ۳۶۱، ح ۴۲۵۹ الی ۴۲۶۵. ۳- الفتاوی الحدیثه / شهاب الدین ابن حجر الهیثمی، ص ۳۷، مطلب فی ذکر الهدی و بعض علامات الساعه. ۴- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال / علاء الدین علی المتقی، ج ۱۴، ص ۳۸۹، ح ۳۸۶۵۱ الی ۳۸۷۰۹. ۵- المهدي المنتظر / ابوالفضل عبدالله بن محمد بن الصدیق الحسنی متوفی (۱۳۸۰). ۶- المصنف فی الأحادیث والآثار / ابن ابی شیبه، ج ۱۵، ص ۱۹۶، ح ۱۹۴۸۴ به بعد. ۷- سنن ابن ماجه، ج ۲ / ص ۲۹، باب خروج المهدي، ح ۴۰۸۲ الی ۴۰۸۸. ۸- سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۳۷، ح ۴۲۷۹ کتاب المهدي تا ۴۲۸۵. ۹- سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۳، باب ما جاء فی المهدي، ح ۲۲۳۰ - ۲۲۳۲. ۱۰- المعجم الكبير / ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن نصیر اللخمی الطبرانی، ج ۱۰، ص ۵۵، ح ۱۰۲۱۳ - ۱۰۲۳۰.

[۶] الصواعق المحرقة، ص ۲۴۹.

[۷] المستدرک للحاکم، ج ۳، ص ۱۰۹؛ المعجم الكبير، الطبرانی، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۴۹۶۹؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۴۴۲.

[۸] کمال الدین، ص ۲۷۲؛ الغیبه، طوسی، ص ۱۲۸؛ صحیح بخاری، ج ۹، ص ۷۲۹؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۲۲۰، ح ۱۸۲۱، مسند احمد ۵: ۹۰.

[۹] کمال الدین، ۴۰۹، ح ۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۲۳۹، ح ۱۸۵۱؛ مسند الطیالسی، ص ۲۵۹.

[۱۰] کمال الدین، ص ۲۵۷، ح ۲؛ کفایه الاثر، ص ۱۰.

[۱۱] الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۵؛ الغیبه، طوسی، ص ۱۶۱، ح ۱۱۸.



- [۱۲] کمال الدین، ص ۳۴۲، ح ۲۴.
- [۱۳] ابن حزم می گوید: البته به نظر ما هرگز امام مهدی خلق نشده است.
- [۱۴] الإسلام الصحيح، ص ۳۴۸.
- [۱۵] کمال الدین، ص ۳۴۲، ح ۲۴.
- [۱۶] الکافی، ج ۴، ص ۱۶۲.
- [۱۷] کمال الدین، ص ۳۸۱، ح ۵.
- [۱۸] عمرو بن عثمان بن سعید العمری الشّمان.
- [۱۹] احمد بن اسحاق القمی الأشعری المعروف بالوثاقه.
- [۲۰] (البته شهید صدر آن روایت را به مناسبت حجیت خبر ثقه ذکر می کند نه به مناسبت امام مهدی).
- [۲۱] عبدالله بن جعفر حمیری مستقیماً از سفیر اول نقل می کند که سفیر اول فرمود: من با چشمان خود حضرت را دیدم.
- [۲۲] مؤلف: نام مادر حضرت در بعضی روایات سوسن آمده و در بعضی دیگر نرجس ولی شایسته نیست کسی به این اختلافاتی که در روایات آمده تمسک کرده و بگوید این روایات به سبب متفاوت بودن محتوای آنها قابل پذیرش نیستند.
- [۲۳] الغیبه، طوسی، ص ۲۳۴، ح ۲۰۴.
- [۲۴] اسامی ذیل از جمله کسانی هستند که به زیارت حضرت نائل آمده‌اند: ۱- ابراهیم بن مهزیار: سفینه البحار، ۲: ۷۰۴-۲ ابن أخت ابی بکر العصار الصوفی: منتخب الاثر، ۳۸۱-۳ ابوجعفر الأحول الهمدانی: منتخب الاثر ۳۷۹-۴ ابوالحسن الحسینی: منتخب الاثر، ۳۸۰-۵ ابوالحسن العمری: منتخب الاثر، ۳۸۰-۶ ابوالحسن بن کثیر النوبختی: منتخب الاثر، ۳۸۰-۷ ابوالقاسم الروحی: تبصرة الولی، ۲۰-۸ ابوالهیشم الأنباری: منتخب الاثر، ۲۷۹-۹ احمد بن ابراهیم بن مخلد: منتخب الاثر، ۳۸۰-۱۰ احمد بن ابی روح: منتخب الاثر، ۳۸۰-۱۱ احمد الدینوری: تبصرة الولی ۲۳۰-۱۲ احمد بن سور: منتخب الاثر، ۳۸۰-۱۳ ابوالطیب احمد بن محمد بن بطه: منتخب الاثر ۳۸۱-۱۴ احمد بن محمد السراج الدینوری: منتخب الاثر ۳۸۰-۱۵ جاریه ابی علی الخیزرانی: تبصرة الولی ۱۶-۷ الحسن بن الحسن الاسباب ابادی: منتخب الاثر ۳۸۰-۱۷ الحسن بن جعفر القزوینی: منتخب الاثر ۳۸۰-۱۸ راشد الأسد آبادی: سفینه البحار ۲: ۱۹۷۰۴-۱۹ ابوالحسن خضر بن محمد: منتخب الاثر ۳۸۰-۲۰ الحسن بن عبدالله التیمی الزیدی: تبصرة الولی، ص ۲۴
- ۲۱- الحسن بن حمران: منتخب الاثر ۳۸۰-۲۲ عبد احمد بن الحسن المادرائی: منتخب الاثر ۳۸۰-۲۳ ابوطاهر علی بن یحیی الرازی: منتخب الاثر ۳۸۰-۲۴ محمد بن احمد: منتخب الاثر ۳۷۰-۲۵ نصر بن صباح: منتخب الاثر ۳۸۰-۲۶ یوسف بن احمد الجعفری: الزام الناصب ۱: ۳۷۹-۲۷ یمان بن الفتح بن دینار: الزام الناصب ۱: ۳۶۲-۲۸ ابا نصر ظریف الخادم: اصول کافی، ج ۱، باب فی تسمیه من رآه، ص ۲۶۷، ح ۱۳. ۲۹- نسیم جاریه: الثاقب فی المناقب / ص ۲۰۳-۳۰ سعد بن عبدالله بن ابی خلف: الثاقب فی المناقب / ص ۵۸۵-۳۱ عمروالاهوازی: تقریب المعارف فی الکلام / ص ۱۸۴-۳۲ الازدی: الثاقب فی المناقب، ص ۶۱۳-۳۳ رشیق حاجب المادرای: الخرائج والجرائح، ج ۱ / ص ۴۶۰-۳۴ علی بن ابراهیم بن مهزیار: دلایل الامامة / ص ۲۹۶-۳۵ احمد بن اسحاق: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۶ ابراهیم بن ادیس ابواحمد: الغیبه شیخ طوسی، ۲۶۸-۳۷ ابراهیم بن عبده النیشابوری: الارشاد، ۲: ۳۵۱-۳۸ اسماعیل بن علی النوبختی: الغیبه، ۲۷۲/۲۳۷-۳۹ عبدالله بن صالح: الکافی، ۱: ۳۳۱-۴۰ غانم ابوسعید الهندی: کافی ۱: ۵۱۵-۴۱ کامل بن ابراهیم المدنی: الغیبه ۲۱۶/۲۴۷-۴۲ عبدالله السوری: کمال الدین ۲: ۴۴۱-۴۳ وکلاء امام مهدی (عج) ۴۴- خدام و کنیزان حضرت.

[۲۵] کتابهای تاریخ طبری و غیره بیانگر آن هستند که معتمد کینه و عداوت شدیدی نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشت، او بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام شخصاً به جستجو برای یافتن حضرت پرداخت و دستور داد. کنیزان امام حسن عسکری را

بازداشت کردند البته گفتنی است که جعفر کذاب هم به طمع نیل به منزلت برادرش او رایاری می‌کرد. لازم به ذکر است که معتز و مهدی از خلفای قبل، معتمد را به مسأله‌ی ولادت حضرت آگاه کرده بودند و لذا امام حسن عسکری علیه السلام تلاش زیادی کرد که خبر ولادت حضرت منتشر نشود.

[۲۶] وفيات الأعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، رقم ۵۶۲.

[۲۷] تاریخ الاسلام، ج ۱۹، ص ۱۱۳، ص ۱۵۹.

[۲۸] الصواعق، ص ۲۵۵ و ۳۱۴.

[۲۹] الاعلام، ج ۶، ص ۸۰.

[۳۰] از دیگر علماء اهل سنت که اعتراف به ولادت حضرت کرده‌اند می‌توان افراد ذیل را نام برد. ۱- ابن الوردی: «وُلِدَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْخَالِصِ سَنَةَ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتِينَ». نورالابصار: ۱۸۶ ۲- الشیراوی الشافعی: ایشان در کتاب الاتحاف به ولادت امام مهدی در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری تصریح کرده است. الاتحاف بحبّ الاشراف: ۶۸ ۳- مؤمن بن حسن الشبلنجی: بنا بر عقیده‌ی امامیه ایشان آخرین امام از ائمه‌ی اثنا عشر است. نورالابصار / ۱۸۶ ۴- ابن الأثیر الجزری، عزالدین: ایشان در کتاب الکامل فی التاریخ در ضمن حوادث سال «۲۶۰» می‌گوید: در این سال ابو محمد علوی عسکری وفات کرده، ایشان بنا بر نظر امامیه یکی از ائمه‌ی اثنا عشر می‌باشد و او پدر همان محمد است که شیعه معتقدند او مهدی منتظر است. «الکامل فی التاریخ، ۷: ۲۷۴».

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

